



بررسی اثر علی خودکارآمدی و راهبردهای شناختی و فراشناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر رشته تجربی مدارس دولتی

ناحیه ۲ ارومیه

محمد حسنی^۱، حمیرا زارع کهرزیز^۲

۱-استاد دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه

۲- دانشجوی دانشگاه آزاد ارومیه

چکیده

هدف اساسی این پژوهش بررسی اثر علی خودکارآمدی و راهبردهای شناختی و فراشناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره ی دوم متوسطه رشته تجربی مدارس دولتی شهر ارومیه بود. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از دانش آموزان آموزش و پرورش ناحیه ۲ ارومیه به تعداد ۱۳۲۹ نفر می باشد. و نمونه آماری از طریق روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای با استفاده از جدول مورگان، ۲۹۷ نفر انتخاب گردید. روش تحقیق، طرح همبستگی به روش تحلیل مسیر می باشد. ابزارهای پژوهشی شامل سه پرسشنامه ی خودکارآمدی عمومی شرر (بختیاری براتی، ۱۳۷۶) و راهبردهای یادگیری پنتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) و عملکرد تحصیلی فام و تیلور (۱۹۹۹) بود. پایایی پرسشنامه خودکارآمدی ۰/۷۹، پایایی پرسشنامه راهبردهای شناختی ۰/۸۶، پایایی پرسشنامه راهبردهای فراشناختی ۰/۸۰ و پایایی پرسشنامه عملکرد تحصیلی ۰/۸۸ محاسبه گردید. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی معناداری دارد، خودکارآمدی بر راهبردهای شناختی دانش آموزان اثر علی معنی داری دارد، خودکارآمدی بر راهبردهای فراشناختی دانش آموزان اثر علی معنی داری دارد. راهبردهای شناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی معناداری دارد و راهبردهای فراشناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی معناداری دارد. همچنین اثر غیر مستقیم خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان با میانجی گری راهبردهای شناختی مثبت و معنی دار می باشد. و نیز اثر غیر مستقیم خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان با میانجی گری راهبردهای فراشناختی مثبت و معنی دار می باشد.

واژگان کلیدی : خودکارآمدی، راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی، عملکرد تحصیلی



مقدمه

مبانی نظری

نظریه های شناختی - اجتماعی

نظریه ی شناختی- اجتماعی^۱ بیشتر به یادگیری افراد در محیط های اجتماعی توجه دارد. روان شناسان شناختی-اجتماعی معتقدند انسان با مشاهده ی رفتار دیگران، اطلاعات، قوانین و مهارت ها، راهبردها، باورها و نگرشهایی را فرامی گیرد. با آنکه نقش شرطی شدن و تقویت در تبیین رفتار آدمی مشخص شده، بندورا با جنبه ی سنتی محرک - پاسخ به عنوان تنها الگو در تبیین رفتار مخالف است. به نظر او، بخش وسیعی از یادگیری انسان با مشاهده و تقلید صورت می گیرد (کدیور، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

مبانی نظری شناخت و فراشناخت

در پایان قرن نوزدهم تصور می شد که ذهن شبیه عضله است. نظریه ای به نام روانشناسی قوای ذهنی، معتقد بود که نیروی ذهن به نیروی حافظه، نیروی استدلال و چند نیروی دیگر تقسیم شده است. نظریه ی دیگری که به این نظریه مربوط می شد، نظریه ی انضباط رسمی^۲ بود که برطبق آن اگر یادگیرنده ای مجبور به اجرای تمرینات ذهنی شدید می شد که مستلزم داشتن یکی از این قوای ذهنی بود، آن قوه ی ذهنی قوی می شد و پرورش می یافت. استدلال این نظریه این بود که اگر کودکی روزی پنجاه نوبت شنا کند، عضلاتش نیرومند می شود و همین طور، اگر فردی روزی پنجاه بیت از شعر هومر را حفظ کند، به حافظه ی خوبی دست می یابد (کدیور، ۱۳۹۳، ص ۱۹۸).

پیشینه ی پژوهش

معروفی، کردنوقایی، ساعد موجشی (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی، با نمونه ی آماری ۱۱۴ نفر نشان داد که بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که با استفاده از راهبردهای شناختی، فراشناختی و یا به طور همزمان از هر دو راهبرد در درس علوم آموزش دیده بودند با دانش آموزانی که با این راهبرد آموزش ندیده بودند تفاوت معناداری وجود داشت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آموزش دیده با استفاده از این راهبردها بالاتر از دانش آموزان گروه گواه بود به علاوه بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تحت آموزش راهبردهای سه گانه نیز تفاوت معناداری وجود داشت و آموزش راهبردهای فراشناختی بیش از دو راهبرد دیگر راهبرد شناختی بیش از آموزش همزمان دو راهبرد شناختی و فراشناختی در عملکرد دانش آموزان گروه آزمایش مؤثر بوده است.

بررسی های اسوالاندر و توب (۲۰۰۹) و در این زمینه نشان داده است فراگیری که بیشتر از این راهبردها آگاهند و آنها را به کار میبرند به مراتب انگیزش تحصیلی و باورهای انگیزشی مانند احساس خودکارآمدی، ارزش گذاری درونی بالاتر، اضطراب شرکت در آزمون کمتر و موفقیت تحصیلی بالاتری نسبت به دیگر فراگیران

¹Social-cognitive theory

²Formal discipline



دارند. تحقیق آزمایشی اسوالاندر و توب (۲۰۰۹)، به مقایسه ی راهبردهای شناختی و فراشناختی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بین گذراندن دوره ی آموزشی راهبردهای شناختی و فراشناختی و عملکرد یادگیری فراگیران تفاوت معناداری وجود دارد. این پژوهش به روشنی نشان داد که رفتار راهبردی، یادگیری را افزایش می دهد .

چن و لین در مطالعه ای که در سال ۲۰۰۹ بر روی دانش جویان زبان انگلیسی صورت دادند به این نتیجه رسیدند که دانش جویان دارای خودکارآمدی بیشتر، پیشرفت تحصیلی بهتری را از خود نشان می دهند . در پژوهشی که توسط رامداس و زیمرمن (۲۰۰۸) در مورد اثر بخشی آموزش های راهبردهای خودتنظیمی بر خودکارآمدی و خود ارزیابی دانش آموزان صورت گرفته، نتایج نشان می دهد که دانش آموزان که راهبردهای خود تنظیمی را مورد استفاده قرار می دهند، خودکارآمدی بهتری دارند و خود را به شکل مثبت تری ارزیابی می کنند و در نتیجه انگیزه آموختن بالاتری دارند، بنابراین بین موفقیت تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیم رابطه معناداری وجود دارد .

بیان مسئله

زندگی تحصیلی یکی از مهم ترین ابعاد زندگی انسان هاست که بر سایر حیطه ها تاثیر فراوان دارد. افراد به واسطه عملکرد تحصیلی خود در مدرسه و پیشرفت های حاصله از آن و نیز از طریق فراگیری مهارت های آموزشی و ارتباطی در مدرسه می توانند خود را در جامعه نشان دهند و نیز در شغل های رضایت بخش و متناسب با مهارتهای فراگرفته شده خود را ارتقاء بخشند (گلستانی نیا، سهنی ییلاقی، مکتبی، ۱۳۹۳، صفحه ۸۴) .

بنابراین در این پژوهش مسئله این است که خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی چه اثر علی دارد؟ و خودکارآمدی و راهبردهای شناختی و فرا شناختی چه اثر علی بر روی هم دارند و آیا راهبردهای شناختی و فرا شناختی بر عملکرد تحصیلی اثر علی معناداری دارند یا نه؟ همچنین راهبردهای شناختی و فراشناختی چه نقشی در رابطه ی بین خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دارند؟

روش تحقیق: محقق از روش تحقیق توصیفی - همبستگی^۱ از نوع تحلیل مسیر، برای بررسی رابطه متغیرها استفاده کرده است.

جامعه آماری تحقیق: در این پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر رشته ی تجربی مدارس دولتی ناحیه ۲ ارومیه به تعداد ۱۳۲۹ نفر می باشد.

نمونه آماری و روش انتخاب آن: حجم نمونه ی پژوهش براساس جدول مورگان ۲۹۷ نفر محاسبه شد. روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است.

ابزار و شیوه تحلیل : در این تحقیق اطلاعات از طریق اجرای پرسشنامه های خودکارآمدی عمومی شرر، پرسشنامه راهبردهای خود تنظیمی پنتریچ و دی گروت و پرسشنامه عملکرد تحصیلی فام و تیلور جمع آوری شده اند. شیوه تحلیل با استفاده از نرم افزار لیزرل و تحلیل مسیر می باشد.

یافته های پژوهش:

¹Descriptive solidarity



یافته های توصیفی تحقیق بیانگر این است که برحسب سن بیشترین فراوانی برای دانش آموزانی است که سن آنها ۱۷ می باشد به طوری که درصد فراوانی حاصل ۳۷/۳۳ است. و بر حسب پایه تحصیلی فراوانی برای هر کدام از پایه ها ۹۹ نفر می باشد. هم چنین برحسب معدل نیز بیشترین فراوانی مختص دانش آموزانی است که معدل آنها بین ۱۵ تا ۱۷ بوده که درصد فراوانی آن ۳۳/۷ لحاظ شده است. هم چنین در قسمت شاخصهای آماری، میانگین، انحراف استاندارد، بیشترین و کمترین، دامنه تغییرات برای متغیر عملکرد تحصیلی که متغیر وابسته می باشد، از متغیرهای دیگر بیشتر است و متغیر راهبردهای شناختی کمترین مقدار را دارد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۱ نشان می دهد که طبق نظریه شناختی - اجتماعی، اشخاصی که دارای خودکارآمدی بالایی هستند بیشتر موفق می شوند، هم چنین اشخاصی که دارای خودکارآمدی پایینی هستند موفقیت کمتری دارند. بابایی امیری و عاشوری (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد، خودکارآمدی بیشترین سهم را در پیش بینی عملکرد تحصیلی داشت. هوشمندجا، جوانمرد و مرعشی (۱۳۹۱) نشان دادند که بین خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. و نیز چن و لین (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که دانشجویان دارای خودکارآمدی بیشتر، پیشرفت تحصیلی بهتری را از خود نشان می دهند. بنابراین در فرضیه اول مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی تأثیر مستقیم دارد و با ضریب مسیر ۰/۶۷ نتیجه می شود که خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی مثبت و معنی داری دارد، بنابراین فرضیه تأیید می گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۲، نشان می دهد که طبق نتایج دیره (۲۰۰۹) خودکارآمدی به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق تأثیر بر اهداف تسلط و سودمندی تکالیف بر راهبردهای شناختی تأثیر می گذارد. همچنین طبق نتایج حاصل از رامداس و زیمرمن (۲۰۰۸) دانش آموزانی که راهبردهای شناختی را مورد استفاده قرار می دهند، خودکارآمدی بهتری دارند و خود را به شکل مثبت تری ارزیابی می کنند و در نتیجه انگیزه آموختن بالاتری دارند، بنابراین بین موفقیت تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیم رابطه معناداری وجود دارد. هوشمندجا، جوانمرد و مرعشی (۱۳۹۱) نشان دادند که بین خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین می توان گفت که مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین خودکارآمدی بر راهبردهای شناختی تأثیر مستقیم دارد و با ضریب مسیر ۰/۲۲ نتیجه می شود که خودکارآمدی بر راهبردهای شناختی دانش آموزان اثر علی مثبت و معنی داری دارد، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تأیید می گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۳ نشان می دهد که طبق نتایج دیره (۲۰۰۹) خودکارآمدی به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق تأثیر بر اهداف تسلط و سودمندی تکالیف بر راهبردهای فراشناختی تأثیر می گذارد. همچنین طبق نتایج حاصل از رامداس و زیمرمن (۲۰۰۸) دانش آموزانی که راهبردهای فراشناختی را مورد استفاده قرار می دهند، خودکارآمدی بهتری دارند و خود را به شکل مثبت تری ارزیابی می کنند و در نتیجه انگیزه آموختن بالاتری دارند، بنابراین بین موفقیت تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیم رابطه معناداری وجود دارد. هوشمندجا، جوانمرد و مرعشی (۱۳۹۱) نشان دادند که بین خودکارآمدی و راهبردهای فراشناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین تحقیقات یوسف زاده، یعقوبی و رشیدی (۱۳۹۱) نشان داد که آموزش مهارت های فراشناختی، میزان خودکارآمدی دانش آموزان را افزایش می دهد و نیز واله و



همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که باورهای خودکارآمدی اثر علی مستقیمی بر راهبردهای فراشناختی دانش آموزان دارد. بنابراین می توان گفت که مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین خودکارآمدی بر راهبردهای فراشناختی تأثیر مستقیم دارد و با ضریب مسیر $0/24$ نتیجه می شود که خودکارآمدی بر راهبردهای فراشناختی دانش آموزان اثر علی مثبت و معنی داری دارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تأیید می گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۴ نشان می دهد که طبق نظریه ی انضباط رسمی اگر یادگیرنده ای مجبور به اجرای تمرینات ذهنی شدید می شد مستلزم داشتن ذهن قوی بود و آن قوای ذهنی قوی می شد و پرورش می یافت یعنی دانش آموزان با حفظ کردن شعر می توانند حافظه ی خود را قوی کنند و عملکرد بهتری داشته باشند. با استفاده از راهبردهای شناختی و تمرین و تکرار دروس می توان عملکرد بهتری داشت. همچنین طبق نتایج حاصل از رامداس و زیمرمن (۲۰۰۸) دانش آموزانی که راهبردهای شناختی را مورد استفاده قرار می دهند، خودکارآمدی بهتری دارند و خود را به شکل مثبت تری ارزیابی می کنند و در نتیجه انگیزه آموختن بالاتری دارند، بنابراین بین موفقیت تحصیلی و استفاده از راهبردهای یادگیری خودتنظیم رابطه معناداری وجود دارد. قلاوندی، امانی ساری بگلو و صالح نجفی (۱۳۹۲) نشان دادند که راهبردهای شناختی نیز با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد. بابایی امیری و عاشوری (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که راهبردهای شناختی با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد. رستمی و علی آبادی (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که از بین راهبردهای شناختی و فراشناختی تأثیر گذار بر انگیزه عملکرد تحصیلی، راهبردهای برنامه ریزی، سازماندهی و تمرین در یادگیری بیشترین تأثیر و راهبرد کنترل و نظارت کمترین تأثیر را بر انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش جویان داشته اند. بنابراین می توان گفت که مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین راهبردهای شناختی بر عملکرد تحصیلی تأثیر مستقیم دارد و با ضریب مسیر $0/32$ نتیجه می شود که راهبرد های شناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی مثبت و معنی داری دارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تأیید می گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۵ نشان می دهد که طبق نظریه ی گیج و برلایندر (به نقل از مهر محمدی، ۱۳۸۴)، راهبرد فراشناختی برای تقویت عملکرد دانش آموزان به کار می رود. همچنین نتایج تحقیق پا اولسون (۲۰۱۰) نشان داد که راهبردهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه ی معناداری دارد. تحقیقات پیک و میلر (۲۰۱۰) نشان داد که هرچه فراگیران از راهبردهای فراشناختی بیشتر استفاده کنند موفقیت بیشتری به دست می آورند. که مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین راهبردهای فراشناختی بر عملکرد تحصیلی تأثیر مستقیم دارد و با ضریب مسیر $0/31$ نتیجه می شود که راهبردهای فراشناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثر علی مثبت و معنی داری دارد بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه تأیید می گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۶ نشان می دهد طبق تحقیقات هوشمندجا، جوانمرد و مرعی (۱۳۹۱)، راهبردهای شناختی پیش بینی کننده و میانجی گر خوبی برای پیشرفت تحصیلی هستند. که مقدار $t > 1/96$ می باشد بنابراین اثر مستقیم خودکارآمدی بر راهبردهای شناختی معنی دار است هم چنین اثر مستقیم راهبردهای شناختی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان معنی دار است. بنابراین ضرایب دو مسیر مثبت و معنادار است و مقدار ضریب غیر مستقیم $0/0704$ می باشد پس نتیجه می شود که اثر غیر مستقیم



خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری راهبردهای شناختی مثبت و معنی‌دار می‌باشد و فرضیه تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از فرضیه شماره ۷ نشان می‌دهد که طبق تحقیقات تیموری فرد و فولادچنگ (۱۳۹۰)، استفاده از راهبردهای فراشناختی به عنوان نقش واسطه در رابطه‌ی بین هوش و عملکرد تحصیلی منجر به عملکرد تحصیلی بهتر می‌شود. مقدار $t > 1/96$ می‌باشد بنابراین اثر مستقیم خودکارآمدی بر راهبردهای فراشناختی معنی‌دار است هم‌چنین اثر مستقیم راهبردهای شناختی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان معنی‌دار است. بنابراین ضرایب دو مسیر مثبت و معنادار است و مقدار ضریب غیر مستقیم $0/074$ می‌باشد پس نتیجه می‌شود که اثر غیر مستقیم خودکارآمدی بر عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری راهبردهای فراشناختی مثبت و معنی‌دار می‌باشد و فرضیه تأیید می‌گردد.

جدول (۱-۱): شاخص‌های آماری (مرکزی و پراکندگی) متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشترین	کمترین	دامنه تغییرات
خودکارآمدی	۵۷/۸۹	۹/۷۱	۸۱	۲۲	۵۹
راهبردهای شناختی	۵۲/۱۶	۸/۳۱	۹۰	۲۶	۶۴
راهبردهای فراشناختی	۳۳/۰۸	۴/۶۴	۴۵	۱۹	۲۶
عملکرد تحصیلی	۱۶۸/۲۰	۲۴/۶۵	۲۰۲	۱۰۷	۱۸۵

جدول (۲-۱): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای برازندگی توزیع نرمال

متغیر	تعداد	آماره کولموگروف-اسمیرنوف Z	سطح معنی‌داری (sig)	نتیجه آزمون
خودکارآمدی	۲۹۷	۱/۰۷۴	۰/۱۹۹	توزیع نرمال می‌باشد.
راهبردهای شناختی	۲۹۷	۰/۸۲۲	۰/۵۰۹	توزیع نرمال می‌باشد.
راهبردهای فراشناختی	۲۹۷	۱/۳۷۵	۰/۲۵۶	توزیع نرمال می‌باشد.



بحث و نتیجه گیری: نتایج حاکی از آن است که بین خودکارآمدی و راهبردهای شناختی و فراشناختی با عملکرد تحصیلی اثر علی معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گیری نمود که توجه مسئولان آموزش و پرورش به تدارک برنامه‌های درسی متناسب با مقتضیات شناختی و روانی نوجوانان در این سن می‌تواند عامل مهمی در جهت جذب دانش‌آموزان به مطالب درسی باشد و به عملکرد درسی مطلوب منجر شود و تمامی فرضیه‌ها قابل تایید می‌باشد.

پیشنهادات: پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی گروه نمونه از میان دانش‌آموزان دختر و پسر انتخاب شود تا هم امکان مقایسه‌ی جنسیتی فراهم آید و هم بررسی سیر تحولی روابط علی میان خودکارآمدی، راهبردهای شناختی و فراشناختی با عملکرد تحصیلی میسر شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر به بررسی اثر علی هر یک از متغیرها در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی دیگر پرداخته شود. -در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها ی مربوط به خودکارآمدی، راهبردهای شناختی و فراشناختی و عملکرد تحصیلی از ابزار پرسشنامه‌ی خود ارزیابی استفاده شد؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت گردآوری جامع‌تر داده‌ها از ابزارهای دیگری نظیر مصاحبه و مشاهده نیز استفاده گردد.

منابع فارسی و انگلیسی :

- کدیور، پروین. (۱۳۹۳). روان‌شناسی یادگیری، تهران: انتشارات سمت.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۰). روانشناسی یادگیری، تهران: انتشارات سمت
- گلستانی نیا، ندا. سه‌نی ییلاقی، منیجه و مکتبی، غلام حسین (۱۳۹۳). بررسی رابطه علی خودکارآمدی تحصیلی و مشوق‌های انگیزش منفی، عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری ادراک کنترل، ارزش تکلیف، امید و ناامیدی در دانش‌آموزان دختر سال دوم دبیرستان. *مجله روان‌شناس مدرسه*. دوره ۳، شماره ۱، بهار. صفحه ۱۰۰-۸۳.
- معروفی، یحیی. کردنوقایی، رسول و ساعد موچشی، لطف‌الله (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی. *دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*. سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان. صفحه ۹۶-۸۳.
- Swalander, L. & Taube, K. (2009). In fluencies of family based prerequisites, reading attitude, and self-regulation on reading ability, 32, 206-230.
- Chen MC, Lin Hj. (2009). self – efficacy. foreign language anxiety as predictors of academic performance among professional program students in a general English proficiency writing test. *Percept Mot skills T109(2)* : pp 420-430.